

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۱۱۸ دعای بیستم

جلسه ۳۹۷ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۳/۰۹/۱۹



- دعا و سؤال، محبوب حضرت حق است
- موانع به مقصد نرسیدن دعا
- شرک، مهم‌ترین عامل به اجابت نرسیدن دعا
- تاثیر صدق در ایمان، در استجاب دعا
- آلوده بودن دعا به شرک
- آلودگی به شرک خفی
- گناه، مانع اجابت دعا است
- موانع استجاب دعا در برخی از گناهان
- مسأله نماز و اهمیت جایگاه آن
- نماز اول وقت، از ارکان حفاظت نماز است
- استغفار و توبه؛ کلید گشایش باب دعا
- استجاب دعا، در استغفار برای مؤمنین
- مسیر طی شده‌ی ما در سوریه، مسیر پرافتخاری است
- حضور داعش، با چهره‌ی بزرگ کرده
- مواجهه پخته‌ی جمهوری اسلامی ایران، با جریان سوریه

أَدْعُو مَعَكُمْ نِدَاءً» که من  
برای تونه قائل به ضد و  
مخالفی هستم و نه برای تو و  
همراه تو شریکی قائل هستم  
و شریکی را فرا می‌خوانم.

### دعا و سؤال، محبوب حضرت حق است

جلسه گذشته عزیزان اگر خاطر  
مبارکشان باشد ما دو نعمت  
بسیار بسیار بزرگ را یاد کردیم  
که گفتیم شکر آن بر عهده ما  
واجب است، یکی نعمت قرآن  
است، آن جایی که خدای  
متعال با ما حرف می‌زند،  
و دوم نعمت دعا است، آن  
جایی که ما با خدای متعال  
سخن می‌گوییم، الله اکبر  
از نعمت دعا، خیلی نعمت  
بزرگی است. البته در کلام  
اهل معرفت یک جمله هست  
منقول از استاد امام راحل  
عظیم الشان‌مان مرحوم آیت‌الله  
العظمی شاه‌آبادی بزرگ که

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمحمد

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ  
آلِهِ، وَ تَوَجَّنِي بِالْكَفَايَةِ، وَ  
سَمِّنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ، وَ هَبْ  
لِي صَدَقَ الْهُدَايَةِ، وَ لَا تَفْتِنِّي  
بِالسَّعَةِ، وَ أَمْتَحِنِّي حُسْنَ  
الدَّعَاةِ، وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي  
كَدًّا كَدًّا، وَ لَا تَرُدَّ دُعَائِي  
عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ  
ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُو مَعَكَ نِدَاءً.»

به توفیق الهی در شرح  
مضامین دعای شریف مکارم  
الاخلاق رسیدیم به این قطعه  
نورانی که با تعبیر زیبای  
«و توجنی بالكفایة» شروع  
می‌شود و با قطعه‌ای که  
امشب باید در باره‌اش صحبت  
کنیم به پایان می‌رسد («و لا  
ترد دعائی علی ردًا» خدایا  
دعای من را به من برنگردان،  
دعای من مردود نشود، «فاننی  
لا اجعل لك ضداً، و لا

و در پیشگاه خدای متعال درخواست داریم، و همه ما هم بالاخره مشتاق اجابت حق هستیم، چطور می‌شود که دعا برگردد؟ با این که سروکار ما با کریم است، خودش فرموده است «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۱</sup> فرموده است با من حرف بزنید، از من درخواست داشته باشید «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۲</sup> از فضل خدای متعال درخواست داشته باشید، سائل باشید.

نوبت پیش عرض کردیم سؤال محبوب حضرت حق است، چون هم غنی علی الاطلاق است، هم معطی مطلق است، هم کریم علی الاطلاق است. بنابراین آن کسی که هم غنی است، هم معطی است، هم جواد است، هم کریم است، دنبال سائل

فرموده بودند دعا قرآن صاعد است. که این هم خودش یک جمله پر رمز و رازی است.

بنابراین بعد از این مقدمه‌ای که من جلسه پیش عرض کردم به این جمله رسیدیم که چه کار کنیم که دعای ما به ما برگردد، حبس نشود. این جا امام (علیه‌السلام) این را از خدای متعال درخواست می‌کند که دعای من به من برگردد. «وَلَا تَرُدُّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا» دعای من مردود نشود. بدین جهت این درخواست، درخواست بسیار مهمی است، یعنی همه ما دوست داریم دعایی که داریم به مانع برنخورد و به هدف اجابت برسد. حالا چه موانعی باعث می‌شود که دعا به هدف نرسد، این را یک مقداری با هم صحبت کنیم خوب است چون محل ابتلاء است. همه ما ان شاءالله اهل دعا هستیم و دعا داریم

۱ آیه ۶۰ سوره مبارکه غافر

۲ آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء

مانعی وجود ندارد، ضمن این که خودش دعوت کرده است، از طرف او که مانعی نیست، اگر مانعی وجود داشته باشد که این دعا نرسد، این مانع از طرف عبد است، از طرف داعی است نه از طرف مجیب. حتماً این طرف مشکلاتی وجود دارد، موانعی هست که باعث می‌شود این دعا به هدف نرسد. بنابراین، این جا باید این موانع را شناسایی کنیم.

در دعای شریف کمیل یک قطعه‌ای دارد که می‌خوانید «اللهم اغفر، اللهم اغفر، اللهم اغفر» یکی‌اش هم این است که «اللهم اغفر لی الذنوب التی تجس الدعاء» خدایا آن گناهانی را که باعث می‌شود دعا حبس بشود، این‌ها را بر من ببخش، چون معلوم می‌شود یک موانعی هست. این موانع را باید شناسایی و مرتفع کرد.

می‌گردد، می‌گوید «هل من سائل» و سؤال را دوست دارد. خودش هم فرموده «وَسُئِلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۳</sup> که خدای متعال نسبت به شما رحیم است، بنابراین از او بخواهید، با او حرف بزنید، سؤال داشته باشید، درخواست کنید. از آن طرف هم که فرمود: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۴</sup>.

### موانع به مقصد نرسیدن دعا

چه می‌شود که با این که عبد سروکارش با کریم است و سروکارش با غنی معطی جواد کریم رحیم است، که هم می‌شنود، سمیع است، هم مجیب است، از اسماء الهی مجیب است، با این حال گاهی وقت‌ها این دعا به مقصد نمی‌رسد. این معنایش این است که از طرف مجیب

۳ آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء

۴ آیه ۶۰ سوره مبارکه غافر

## شرک، مهم‌ترین عامل به اجابت نرسیدن دعا

به آن معنای خاص شریک قائل باشد، مثلاً بت پرست باشد، به این معنا مورد نظرمان نیست، مثلاً بگوییم جزء ثنوی‌ها باشد. نه، منظورمان مؤمنینی هستند که مبتلا به شرک هستند. مگر می‌شود؟ بله، قرآن کریم تصریح می‌کند که می‌شود. فرمود: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ»<sup>۵</sup> فرمود اکثر کسانی که ایمان به خدای متعال دارند گرفتار شرک هستند. «اکثرهم» خیلی مطلب خطیر است «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» فرمود اکثر این کسانی که مدعای ایمان به خدای متعال هستند این‌ها گرفتار هستند «إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ».

این شرک، شرک جلی نیست به آن معنای خاص که کسی برای خدای متعال به آن معنا

به صورت مبنایی و اساسی به شما عرض کنم، مهم‌ترین چیزی که باعث می‌شود دعا ما به ما برگشت بخورد، یعنی مثل چک برگشتی است، دعا برگشت می‌خورد، برمی‌گردد به خود شخص داعی، نمی‌رود به حضرت مجیب، به ساحت او راه پیدا نمی‌کند. مهم‌ترین مانع که باید به خاطر داشته باشیم، شرک است. شرک که می‌گوییم، عزیزان عنایت کنند وقتی ما در محیط ایمان سخن از شرک می‌گوییم خیلی فرق می‌کند تا وقتی که ما شرک مساوق با کفر را داریم می‌گوییم. ما در باره آن صحبت نمی‌کنیم، ما در جامعه مؤمنین داریم حرف می‌زنیم. بنابراین این جا وقتی می‌گوییم شرک منظورمان این نیست که این شخص برای خدای متعال



## تاثیر صدق در ایمان، در استجاب دعا

همین جا یک شاخص را به شما عرض کنم؛ اگر ایمان به درجه خلوص کامل برسد مؤمن برای دیدار با حضرت حق بی‌قرار می‌شود. بی‌قرار می‌شود برای ملاقات با خدای متعال، این شاخص است. آیه‌اش هم همه‌تان از حفظ هستید، فرمود: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>۶</sup> فرمود از بین مؤمنین کسانی هستند، این همان اقلیت هستند که در مراتب ایمان‌شان می‌رسند به رتبه صدق. این صدق در ایمان یعنی ایمانِ خالص بی‌شائبه، وقتی به این جا رسیدند یا شهید هستند یا منتظر شهادت هستند، و السلام. سومی کیست؟ «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ»<sup>۶</sup> آیه ۲۳ سوره مبارکه احزاب

شریک قائل باشد، شرک خفی است، شرک خفی با ایمان قابل جمع است، آن شرک جلی با ایمان قابل جمع نیست، ایمان را کلاً باطل می‌کند، اگر کسی به آن مبتلا باشد دیگر مؤمن نیست، می‌شود کافر. اما شرک خفی چرا؛ با ایمان قابل جمع است. طبق نصّ همین آیه کریمه‌ای که برای شما خواندیم، این با ایمان جمع می‌شود. این می‌شود مثلاً طرف هم مؤمن باشد هم گرفتار شرک باشد. این معنایش این است که ایمان او به درجه خلوص نرسیده است، شائبه در ایمان او هست، به خدای متعال ایمان دارد اما ایمانش به درجه صدق نرسیده است.



مِنْ النَّارِ<sup>۸</sup> یعنی آن‌ها را به درکه‌ای از جهنم می‌برند که دیگر از آن پایین‌تر وجود ندارد «فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ». این مربوط به آن نفاق بالمعنی الاخص است. آن نفاق همان است که گفت با کفر یکی است، کفر پنهان می‌شود نفاق. این جا اصلاً بحث این‌ها نیست. لذا می‌گوید «وَيُعَذَّبُ الْمُنَافِقِينَ» این منافقین در ادامه کدام آیه است؟ آیه صدق ایمان است «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» این‌ها نقطه مقابل‌شان کیست؟ فرمود نقطه مقابلش کسانی هستند که ایمان‌شان آلوده به نفاق است. این‌ها را یا خدای متعال عذاب‌شان می‌کند یا می‌بخشد. «إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ» البته بعد هم فرمود «إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» خدای متعال بسیاری از این‌ها

آیه ۱۴۵ سوره مبارکه نساء

وَيُعَذَّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ...<sup>۷</sup> فرمود آن که صادق است که با صادقش بیه او پاداش می‌دهند، «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ». بعد از این‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود کسانی هستند که گرفتار نفاق هستند، یعنی ایمان‌شان ایمان مخلوط است، در آن نفاق است، در آن خدشه است، آلودگی است، ناخالصی می‌باشد. آن وقت این گروه سوم که به حسب ظاهر مؤمن هستند اما ایمان‌شان با شرک آلوده است، فرمود خدای متعال این‌ها را یا عذاب می‌کند یا می‌بخشد «وَيُعَذَّبُ الْمُنَافِقِينَ» این گروه هستند، نه آن منافقین به معنای خاص، منافقین به معنای خاص اگر با نفاق‌شان از دنیا بروند و موفق به توبه نشده باشند آن‌ها قطعاً معذب هستند. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ» آیه ۲۴ سوره مبارکه احزاب

۷

۸

بنابراین این صورت مسأله را با همین وضوح و روشنی خاطر تان باشد. شاخص هم شد صدق ایمان؛ بی‌قراری و ملاقات حضرت حق تبارک و تعالی. هر چه خلوص ایمان بیشتر بشود بی‌قراری برای دیدار خدای متعال بیشتر می‌شود یا خدای متعال این توفیق را به آن‌ها می‌دهد که شهید می‌شوند یا آتش عشق به شهادت در دل‌شان شعله می‌گیرد، شعله‌ور است، منتظر شهادت هستند، یکی از راه می‌رسد. پس این هم این شاخص طبق نص قرآن کریم؛ صدق در ایمان.

### آلوده بودن دعا به شرک

آن چیزی که مانع می‌شود از اجابت دعا ابتلاء به این ناخالصی است. هرچه این ناخالصی بیشتر باشد ما محجوب‌تر هستیم، صدای مان

را می‌بخشد. این‌ها کسانی هستند که اکثرشان مورد عفو و بخشش خدای متعال قرار می‌گیرند. همان اکثریتی از مؤمنین هستند که در آیه سوره یوسف (علیه‌السلام) فرمود این‌ها گرفتار شرک هستند. یعنی مؤمنین متوسط. این‌ها این ابتلاء را دارند، این‌ها اکثریت هستند. خدای متعال بیشترشان را می‌بخشد. یک اندکی‌شان که ابتلائات‌شان دیگر خیلی زیاد شده باشد، آن‌ها مورد عذاب قرار می‌گیرند.

در هر صورت این جا مقام خوف و رجاء است، می‌بخشد یا عذاب می‌کند. هرچه خودش بخواهد، ولی خودش بلافاصله می‌گوید ولی من آمرزنده هستم، وقتی می‌گوید «كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» یعنی این گونه است، بیشتری‌ها را می‌آمرزد، شما هم از او این را توقع داشته باشید.

پیدا کنی، یعنی آن مرض روز به روز بیشتر می‌شود، این هرچه هم ناله بزند ناله‌اش به جایی نمی‌رسد. بنابراین می‌گویند پس طیب و علم طب و این‌ها برای چیست؟ هنر مؤمن این است که از اسباب بهره‌مند می‌شود ولی در اسباب متوقف نمی‌شود. دیده‌ای خواهی سبب سوراخ کن، تا از این اسباب عبور کند، در آن گیر نکند، متوقف نشود.

این در سیر مراتب توحید هم هست، گفت امرتنی بالرجوع الی الآثار، خدا به من گفته که من بروم سراغ نشانه‌های تو، این امر خدای متعال است، می‌گویند بروید سراغ نشانه‌ها من. آیات من را ببینید «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»<sup>۹</sup>

آیه ۱۹۰ سوره مبارکه آل عمران

نمی‌رسد. دعا داریم، اما دعا به هدف نمی‌رسد. این چنین است. عمده‌اش مربوط می‌شود به اعتماد نسبت به اسباب، تعلق به اسباب، چون ما بالاخره در محیط اسباب زندگی می‌کنیم، علل و اسباب ما را احاطه کرده است. هر کاری را ما در این دنیا داریم انجام می‌دهیم، بالاخره با یک ابزاری، یک وسیله‌ای، یک شفیع، یک اسبابی انجام می‌گیرد، علل و معاللی است، عالم این است. خیلی هنر می‌خواهد که تو از این‌ها استفاده کنی ولی به این‌ها دل نبندی.

جالب است به شما بگویم اگر از اسباب استفاده نکنی دعای شما مستجاب نمی‌شود. مثلاً من الان بیمار هستم بنشینیم بگویم خدایا شفا بده. بگویم من خیلی آدم خالصی هستم، می‌گویند بنشین تا شفا

می‌خواهم بگویم حتی در آن سیر منازل این مسأله، مسأله‌ی اساسی است. اما حالا در مقام دعا که محل بحث ما است، خدای متعال از ما توقع دارد از اسباب استفاده نکنیم، اما در اسباب متوقف نشویم و به اسباب اعتماد نکنیم.

عزیزان من، جمع بین این دو سخت است، یعنی تو به دکتر مراجعه داشته باشی ولی به دکتر اعتماد نکنی؛ اعتماد به معنای همان توکل. به هر حال انسان که به پزشک مراجعه می‌کند اعتماد دارد. منظورم معلوم است. یعنی یک پزشک متخصصی را که معتمد است، دانش آن را دارد، روش آن را دارد، او را پیدا می‌کنیم سراغ او می‌رویم، از این جهت به او اعتماد داریم اما شفاء را از او می‌دانیم یا نه؟ این نکته مهم است، شافی کیست؟ برای ما دارو می‌نویسد، می‌گوید این

گفت من دنیا را پر کردم از نشانه‌ها، بعد هم به ما فرمان داده که برویم سراغ آثار و نشانه‌ها. امام حسین (علیه‌السلام) در مناجات عرفه می‌گوید خدایا به من امر کردی بروم سراغ آثار اما من را نگه دار، چون ممکن است من بروم سراغ آثار و در آن آثار گرفتار بشوم. در حالی که آثار باید آیه‌ها باشند و آیه باید مسیر عبور من به سوی تو باشد و شفیع باشد، دست من را بگیرد به تو نزدیک کند. همان جا ممکن است من گرفتار بشوم، متوقف بشوم. لذا می‌گوید «فارجعنی منها بکسوة الانوار»<sup>۱۰</sup> من را با عنایت خاص خودت و با درخشش نور هدایت خودت از این آثار که من به آن رجوع کردم برگردان به سوی خودت، من آن جا متوقف نشوم.

کسی این وسط کاره‌ای نیست. با این مبنا همه‌ی ماها مبتلا به این جنس از شرک هستیم. و این شرک مانع اجابت است، یعنی شما همان لحظه که دارید دعا می‌کنید، دعای شما عبور نمی‌کند، پرواز نمی‌کند یا اگر یک کمی هم از جای خودش بلند شد مثل این پرنده‌هایی که پروازشان می‌دهند این‌ها می‌خورند زمین، این طوری بلند نمی‌شود، به هدف نمی‌رسد، برمی‌گردد بلکه می‌خورد توی سر خود طرف، این گونه است، یعنی دعایت به درد خودت می‌خورد. پس این مطلب را عرض کردیم که در آیات مربوط به دعا به صورت بسیار واضحی آن جا تعبیه شده است. شما شروع کنید مثلاً همین دعای ادعونی، می‌گوید چی؟ «**ادعونی استجب لکم**» ببینید

داروها را برو مصرف کن، آن وقتی که شما دارید دارو را میل می‌کنید شفاء را در دارو می‌بینید یا نه؟ «**فارجعنی منها بکسوة الانوار**»<sup>۱۱</sup> دستم را بگیر خدایا من گرفتار نشوم. این اگر دلبستگی‌اش به پزشک بود گرفتار آن شرک شده است، دلبستگی او به دارو بود گرفتار شرک شده است، معنای شرک این است. در تعلیم دلبستگی‌اش به معلم بود، به کتاب بود؛ گرفتار شرک شده است. در تربیت دلبستگی‌اش به مربی بود؛ گرفتار شرک شده است. بدون مربی نمی‌شود رفت ولی در مربی نباید متوقف بشود و در همان حال مربی را خدای متعال بداند. شافی را خدای متعال بداند. کافی را خدای متعال بداند، این است. «**یا کافی یا شافی یا معافی**» بگوید این‌ها همه‌اش خودت هستی، فرازی از مناجات عرفه

می‌گوید تو که من را نخواندی. اسم من را آوردی ولی حواست به چیزهای دیگر و دیگران بوده است. اعتمادت به آن‌ها بوده است. لذا این یک راهی است که پیش روی ما هست. پس یکی از علت‌های اصلی، شاید هم بگوییم علت العلل در این که دعای ما رد می‌شود و مردود می‌شود این آلوده بودن دعا به شرک است، شرک هم به همین معنایی که برای شما توضیح دادم. حالا شما بروید محاسبه کنید ببینید ابتلائات ما در این ماجرا چقدر است. پس این اصل مسأله می‌باشد.

### آلودگی به شرک خفی

امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) این جا مطلب را در یک قالب تکمیلی آورده است «فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا». این هم اقرار به

«ادعونی» یعنی من را بخوانید، آن وقت ما خیلی وقت‌ها داریم دیگران را می‌خوانیم، می‌گوید برو از همان‌ها جوابت را بگیر، از همان‌ها برو بگیر. در خود کلمه «ادعونی» اخلاص در دعا، خلوص در دعا نهفته است، می‌گوید من را بخوانید. «استجب لکم»، یک وقتی به شما گفتم این آیه شیرین‌ترین آیه قرآن کریم است. خیلی با حلاوت است «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...»<sup>۱۲</sup> گفت کدام یک از شما من را خواندید؟ پرده برود کنار بیچاره‌ایم، معلوم می‌شود ما اصلاً مبتلا بودیم «أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» می‌گوید من دعای آن کسی که من را خواسته باشد، من را خوانده باشد جواب می‌دهم. حالا مدام نگویند خدایا چرا به من جواب نمی‌دهی؟  
۱۲ آیه ۱۸۶ سوره مبارکه بقره

توحید است. اقرار به توحید بعد از درخواست این که دعای من رد نشود. می‌گوید ولی من نه برای تو کسی را در این عالم مخالف هستم، کسی بتواند در برابر امر تو بایستد، نه. الان بسیاری از این کسانی که ادعای ایمان می‌کنند برای خدای متعال مخالف قائل هستند، ولو به زبان جاری نکنند، می‌گویند این کار می‌شود اگر مثلاً به مانع استکبار جهانی نخورد. یعنی در این حد، حالا فهرست آن طولانی است. «فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.» من برای تو مثل و مانندی هم قائل نیستم که آن را بخوادم بخوانم. این هم پس یک مسأله است. حالا تمام کسانی که نگاه استقلالی نسبت به اسباب و علل و امثال این‌ها داشته باشند این‌ها در واقع همراه

با خدای متعال مثلی و مانندی قائل شدند. این چنین است دیگر، متها خفی است. مثلاً می‌گوید اگر بابایم بگذارد، اگر نه‌ام فلان، اگر دوستم چه، اگر این دکتر نبود، شنیدید این را مکرر، گفت اگر این دکتر نبود، اگر فلانی نامه نوشته بود، اگر فلانی واسطه نشده بود، همین خرده ریزها است، در روایت داریم مصداق همان شرک خفی همین‌ها است. می‌گوید اگر این دکتر نبود من فلان جا نیازمند بودم. اگر فلانی به من قرض نداده بود. دوستان جمع این دو خیلی سخت است. خیال نکنیم آسان است، یعنی از خدای متعال باید کمک خواست که انسان هم در محیط اسباب و مسببات زندگی بکند؛ یک. از اسباب استفاده کند؛ دو. ولی در اسباب متوقف نشود و به آن‌ها اعتماد



جناب صدوق نقل شده است، طبق این نسخه‌ای که ما از آن نقل می‌کنیم صفحه ۲۷۰ است، حالا نسخه‌ها متنوع است. حضرت فرمودند آن که باعث می‌شود دعای شما به هدف نرسد گناه است. گناه، مانع اجابت است که در بیان امیرالمؤمنین در دعای کمپل دارد که «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ». آن شرک هم جزو گناه بود متتها گناه پایه و مادر و اساسی بود.

## موانع استجاب دعا در برخی از گناهان

اما یک سری گناه‌های دیگر هم هست که این‌ها مانع اجابت دعا است. امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) فرمودند «الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ»<sup>۱۳</sup> در جایی می‌گوید «وَلَا تَرُدُّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا» حضرت فرمودند «الذُّنُوبَ

معانی الأخبار: ۲/۲۷۱ ۱۳

نکند و به آن‌ها توکل نکند؛ این هم سه. جمع این‌ها کار آسانی نیست. پس این را برای شما خواندیم، این اصل مسأله است. اگر مثلاً پرده برود کنار می‌گوید تو با کی حرف می‌زدی؟ دائم می‌گویی یا الله، می‌گویی خدا اما خالص نیستی، همان زمان داری چیزهای دیگر را هم فراخون می‌کنی، می‌خواهی بگویم چه کسانی؟ پرده که می‌رود کنار می‌بینی او! ما دیگران را هم در این درخواست‌مان همراه کرده بودیم. پس این اصل مسأله است.

## گناه، مانع اجابت دعا است

و اما با اجازه‌تان من یک روایت بخوانم از امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) که صاحب همین دعا است. یک روایت شسته و روفته‌ای است. این روایت در کتاب شریف [معانی الأخبار]

باشی، خیرخواهی داشته باشی. اگر نسبت به آن‌ها بدخواهی داشته باشی می‌شود سوء نیت، تو نیت خراب است، پس این به هدف نمی‌رسد، این دعا مستجاب نمی‌شود.

### ۱. سوء نیت

یک: «سُوءُ النَّيَّةِ» عجب! «سُوءُ النَّيَّةِ» به دو معنا است، یکی یعنی نیت ناخالص به بیانی که گذشت، همین الان توضیح دادیم. یکی به معنای این است که انسان نیت‌های بد زیاد داشته باشد. سوء نیت؛ این دعا را برمی‌گرداند، گیر می‌کند همان‌جا، می‌گوید نیت تو خراب است. مثلاً آن جایی که شما دعا می‌کنید بر علیه آدم‌های مؤمن، این سوء نیت است. برای چه کسی داری بدخواهی می‌کنی؟ برای یک مؤمن، شما نسبت به مؤمن باید خیرخواه باشی، ناصح باشی، نصیحت داشته

### ۲. باطن خبیث

دوم: «حُبْثُ السَّرِيرَةِ». به خدا پناه می‌بریم. این مرحله خیلی بدتری از آن مسأله قبلی است. خبث سریره یعنی باطن خبیث، این هم باعث می‌شود که دعای او پرواز نمی‌کند، دعای او همان‌جا گیر می‌کند، می‌خورد توی سر خودش. «حُبْثُ السَّرِيرَةِ». اما «حُسْنُ السَّرِيرَةِ» به آدم‌هایی گفته می‌شود که این‌ها سریرت‌شان، باطن‌شان زیبا است، خوش‌بین هستند، خوش‌گمان هستند، باطن‌شان مثبت است، نسبت به مؤمنین،

خبث سریره است، یعنی سرّ و باطن‌شان آلوده و خبیث است. خبیث مقابل طیب است. پس این هم شد مطلب دوم. این‌ها هم دعای‌شان بالا نمی‌رود، مردود می‌شوند، می‌زنند توی سر خودشان.

### ۳. عدم تصدیق نسبت به اجابت

#### دعا

سوم: «و تَرَكَ التَّصَدِيقَ بِالْإِجَابَةِ» عجب! این هم سَمُوم. شما وقتی دعا می‌کنی آیا نسبت به اجابت دعای خودت تصدیق داری یا نه؟ یعنی چی تصدیق داری؟ یعنی می‌گویی من مطمئن هستم خدای متعال به من جواب می‌دهد، یا نه شک داری؟ اکثر ماها شک داریم. می‌شود؟ نمی‌شود؟ جوابم را می‌دهد؟ نمی‌دهد؟ آن وقت می‌دهد و نمی‌دهد و می‌شود

نسبت به اولیاء خدا، نسبت به نظامات الهی، نسبت به خلق عموماً، نسبت به مؤمنین خصوصاً، حُسن سریره دارند، یعنی باطن‌شان باطن زیبایی است، به آن‌ها حُسن ظن دارند، نسبت به آن‌ها احساس خوب دارند، این چنین است. نقطه مقابلش کسانی هستند که گرفتار خبث سریره هستند، یعنی بدذات هستند، به اصطلاح عرفی خودمان این می‌شود؛ بد ذات هستند، بعضی‌ها باطن‌شان کثیف است، متعفن است، خبث سریره دارند. از آن جمله قبلی که گفتیم در آن هست، بدخواهی برای این و آن دارند، از این که دیگران زمین بخورند خوشحال می‌شوند، حسادت دارند، سوء ظن دارند، بخیل هستند. این‌ها خبث سریره است. بخل، خبث سریره است، حسد،

#### ۴. تأخیر در نمازهای واجب

چهارم: «وَأَخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ» نه ترک نمازهای واجب، آن که می‌برد انسان را به دامن کفر و این‌ها. تأخیر آن. مثلاً الان دارد اذان می‌گوید جنابعالی مشغول کار دیگری هستی. آن وقت شما می‌گویید خدایا به فریادم برس، می‌گوید برو گمشو. می‌گوید آن وقتی که تو را صدا کردم کجا بودی. ببینید اذان دعوت خدای متعال است، اول وقت خیلی حساس است، یعنی وقتی شما دعوت می‌شوید، اذان از سوی خدای متعال دعوت است، آن کسی که جواب نمی‌دهد به خدای متعال، آن وقت توقع دارد حالا که خدای متعال را صدا می‌کند، خداوند جوابش را بدهد؟ جالب است، تا حالا به این توجه داشتید؟ «وَأَخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ» نمازهای واجب

و نمی‌شود نه از طرف خودم. ببینید یک وقت می‌گویم که آیا دعای من می‌رسد یا نه؟ به خودم شک دارم، این خوب است. به خودم شک دارم، به دعای خودم شک دارم. یک وقت است که به اجابت او شک دارم، اطمینان داری یا شک داری؟ اجابت حق را تصدیق داری یا تردید داری؟ یا خدای نخواستہ حتی تکذیب داری؟ اگر نسبت به این که خدای متعال شنید و خدای متعال به من پاسخ می‌گوید، تصدیق نداشته باشید دعای شما می‌خورد توی کله مبارکتان، البته این جا دیگر این کله مبارک هم نیست. «وَأَخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ» این هم شد سوم. این‌ها موانع اجابت دعا است که می‌شود «الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ».

سوره مبارکه معارج است، در سوره معارج نه تایی است، نه ویژگی آن جا مطرح شده است. یک جا می گوید «عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» آن جا می گوید «عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»<sup>۱۶</sup> این هم جالب است. این جا با خشوع در نماز شروع می شود «فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» آن جا باز با کلمه نماز شروع می شود. و جالب است عزیزان بدانند آن جا در همان سوره معارج یک قاعده مبنایی هم گفته که دیگر خیلی عالی است. در سوره معارج می گوید فقط مصلین هستند که از طبع سخیف بازدارنده ی تاریک نجات پیدا می کنند «إِلَّا الْمَصْلِينَ» با این شروع می شود.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً \* وَ

را به تأخیر انداختن جزء آن گناهی است که تحبس الدعاء، دعا را حبس می کند. عجب!

### مسأله نماز و اهمیت جایگاه آن

بارها به مناسبت های خدمت برادرها و خواهرهای عزیز مسأله نماز و جایگاه آن را عرض کردیم که آن بماند، حفاظتش خیلی اهمیت دارد. الان عزیزمان آیات سوره مبارکه مؤمنون را برای شما خواندند، «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» را خواندند. اول آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» چیست؟ آخرش چیست؟ اولش «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»<sup>۱۴</sup> است، آن آخرش است یا نه؟ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»<sup>۱۵</sup> دو جا هم داریم، این ترتیبات یکی در سوره مبارکه مؤمنون است، یکی هفت تایی است، یکی در

۱۴ آیه ۲ سوره مبارکه مؤمنون

۱۵ آیه ۹ سوره مبارکه مؤمنون

۱۶ آیه ۳۴ سوره مبارکه معارج

برای آن‌ها فهرست می‌شود که شباهت خیلی زیادی دارد به همان سوره مبارکه مؤمنون که «**قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ**». آن وقت اولین ویژگی‌اش دوباره نماز است «**الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ**»<sup>۲۰</sup> با این شروع می‌شود، آخرش هم با حفاظت بر نماز تمام می‌شود. نماز، نماز، نماز.

آن وقت شما فکرش را کردید که خدای متعال امانت‌داری مؤمن را مبتنی بر نمازش می‌داند، عفتش را مبتنی بر نمازش می‌داند، وفای به عهدش را منشعب از نمازش می‌داند، جالب است. ترس از قیامتش را «**وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ**»<sup>۲۱</sup> از نمازش می‌داند. همه را از نماز می‌داند.

إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً»<sup>۱۷</sup>، این طبع اولیه تاریک است. بعد می‌گوید «**إِلَّا الْمُصَلِّينَ**»<sup>۱۸</sup> الله اکبر. در حالی که «**إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً**»<sup>۱۹</sup> این حرص نسبت به جیفه دنیا که وقتی پرده برود کنار حال خودت به هم می‌خورد که دنبال چه می‌دویدی، «**خُلِقَ هَلُوعاً**» \* **إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ** یک مشکلی، گرفتاری، مرضی، چیزی پیش بیاید که جنج می‌کند. خیر به او برسد بخل می‌کند «**مَنُوعاً**» نمی‌گذارد این به دیگران برسد، تمام آن را برای خودش می‌خواهد. یک راه نجات بیشتر نیست «**إِلَّا الْمُصَلِّينَ**» فقط و فقط نجات در نماز است. «**إِلَّا الْمُصَلِّينَ**» بعد می‌گوید حالا می‌خواهید مصلین را بشناسید؟ نه ویژگی

۱۷ آیات ۱۹ الی ۲۱ سوره مبارکه

معارج

۱۸ آیه ۲۲ سوره مبارکه معارج

۱۹ آیه ۱۹ سوره مبارکه معارج

۲۰

آیه ۲۳ سوره مبارکه معارج

۲۱

آیه ۲۶ سوره مبارکه معارج

## نماز اول وقت، از ارکان حفاظت نماز است

نافله، دم نماز ظهر است دارد نماز نافله می خواند. الله اکبر می گوید و شروع کرده به نافله، مادرش صدایش می کند، اول بابا صدایش می کند، اما وای اگر مادرش صدایش کند. اگر مادرش صدایش کرد می گوید نمازت را بشکن، عجب! می گوید چون مادرت صدایت کرده است. اگر در نافله باشی مادرت صدایت کند می گوید نمازت را بشکن جواب مادرت را بده. الله اکبر. بعد حالا مادر تو را صدا می کند می گوید برو فلان کار را انجام بده، الان اول وقت است. خدای متعال تو را صدا کرده برای نماز، مادرت به تو یک امری کرده است، البته آن جا پدر هم اگر امر کرده باشد آن تأخیر می اندازد، می رود آن امر پدر و مادر را انجام می دهد بعد می آید. الله اکبر. در این دنیا خیلی خبرها

یکی از آن نکته های اساسی که جزء ارکان حفاظت نماز است، رکن در حفاظت نماز که «علی صلواتهم یحافظون» این ها حافظ نمازشان هستند، نمازشان را محافظت می کنند، یکی از ارکان اصلی آن این است که نماز در وقتش خوانده بشود، اول وقت، تأخیر نخورد. طرف مبتلا به تأخیر نشود. یک وقت هایی انسان تأخیر دارد عذر دارد. مثلاً الان رفت بگوید الله اکبر، یا وضوی اش را گرفته که برود نماز بخواند که ناگهان پدر صدایش می کند یک فرمانی می دهد، می گوید برو فعلاً فلان چیز را بردار بیاور، می گوید بابا جان می خواهم نماز بخوانم، می گوید حالا بیاور بعداً نماز بخوان. حالا مثلاً این آقا یا این خانم جزء آدم های اهل مراقبه است، شروع کرده به



مولا جوابت را نمی‌دهد. «حَتَّى تَذَهَبَ أَوْقَاتُهَا»، می‌گوید نمازش را تأخیر می‌اندازد تا وقتش بگذرد. منظور همان وقت فضیلتش است، یا خدای نخواستہ قضا بشود که دیگر بدتر.

#### ۵. بد زبانی و بد دهن بودن

«وَ اسْتَعْمَالُ الْبَدَاءِ وَ الْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ» عجب! بد دهن بودن. یعنی تا این حد؟ بله؛ آدم‌هایی که بد دهن هستند توقعی نداشته باشند که خدای متعال جوابشان را بدهد، دعا‌هایشان به جایی نمی‌رسد. بله این‌ها است.

یک چند روایت در این زمینه داریم، حالا فحش جامع ندارم این جا برای شما همه موارد را بگوییم، یکی این حدیث امام سجاد (علیه‌السلام) بود که خب جالب است شارح

هست، خیلی خرابکاری‌های ما از این جاها است. حواس‌مان گاهی وقت‌ها پرت است.

پس این جا فرمود «وَ تَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ» کسی که نمازش را بدون عذر به تأخیر می‌اندازد و این تأخیر شده جزء روش او، همیشه نماز صبح او دم طلوع خورشید است، آفتاب است، نماز ظهرش دیگر دارد کم‌کم قضا می‌شود که می‌خواند، همیشه هم می‌گوید من جلسه داشتم و کار داشتم و فلان و این‌ها، گفت بابا می‌شود به کار بگویی من نماز دارم. خدا رحمت کند شهید رجایی را، می‌گفت به نماز نگوئید من کار دارم، به کار بگوئید من نماز دارم. پس نمازتان را اول وقت بخوانید. خیلی خبرها هم در خواندن نماز در اول وقت است. اگر تأخیر انداختی دعایت می‌خورد توی سرت،

کسی که به بندگان خدا ظلم می‌کند، این ظلم مانع این است که دعای طرف پرواز کند و به اجابت برسد.

#### ۸. نگاه نامناسب به نوامیس مؤمن

یک چیزی هم عجیب است، در یک روایتی دیدم فرمود کسی که نسبت به نوامیس مؤمن نگاه نامناسب داشته باشد، چشم‌چرانی، آدم‌هایی که مبتلا به چشم‌چرانی هستند این‌ها هم دعای‌شان به اجابت نمی‌رسد. چون نوامیس مؤمنین پیش خدای متعال محترم است. آن وقت می‌گویند چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ چون مانع دارد، موانع را باید برطرف کرد.

با ماتن یکی شد، آن کسی که متن را گفته که «وَلَا تَرُدُّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا» خودش هم این جا به ما توضیح داده که این چیزها باعث می‌شود دعای شما مردود بشود. ولی موارد دیگری هم داریم که در روایات ما تصریح شده است.

#### ۶. عقوق والدین

دیگری عقوق والدین است، یعنی اگر کسی مبتلا به عاق والدین شده باشد، باب دعا به روی او بسته است، مسدود است.

#### ۷. ظلم به خلق

از جمله مواردی که گفته شده ظلم به خلق است، کسی که گرفتار ظلم شده باشد، یعنی مبتلا به حق الناس منتها از باب ظلم، نه این که مثلاً از سر غفلت و این‌ها، بلکه

## ۹. خوراک و درآمد حرام

در همان روایات هست که طرف گفت ما چه کار کنیم دعای مان مستجاب بشود؟ حضرت فرمودند مَأْكُلُ تَانَ رَا، خوراک‌تان را پاکیزه کنید دعای‌تان مستجاب می‌شود. پس خوراک‌تان پاکیزه باشد یعنی درآمد حلال باشد.

این فهرست ادامه دارد، مَنْ خَوَّاسْتُمْ يَكُ بِالْآخِرَةِ نَمُونَه‌ای رَا عَرَضَ كَرْدَه بَاشْم.

## استغفار و توبه؛ کلید گشایش باب دعا

اجازه بدهید این آیه کریمه قرآن را هدیه کنم که بابش است، در سوره مبارکه هود، آیه ۶۱، «فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» اَسْتَغْفَار و توبه، راهش این است، حالا انسان اگر مبتلا به این خرده ریزها باشد برای

این که باب دعا به روی او باز بشود، کلیدش چیست؟ کلید آن استغفار است. استغفار هم به همان معنای جامعش است، یعنی اگر مبتلا به این گناه‌ها هست این‌ها را باید برود معالجه کند، استغفار کند. طَيِّبُ كُلِّ فَرَمُود «إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» در حالی که خدای متعال نزدیک‌تر از توبه تو و مجیب است. هم نزدیک است، هم می‌شنود و پاسخ می‌گوید، چیزی کم نداری. پس این را داشته باشید.

## استجاب دعا، در استغفار برای مؤمنین

با اجازه‌تان یک حدیث هم به شما هدیه بدهم، این هدیه خیلی خوبی است. ان شاء الله همه‌ی ما عمل کنیم، این از آن‌ها است که خیلی کمک می‌کند. این از پیامبر عزیزمان نقل شده است که فرمودند:

حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، این ۳۳ یعنی ۳۳، ۳۴ هم یعنی ۳۴، نه یک دانه کم نه یک دانه زیاد. حالا بعد از این هرچقدر دوست داشتی سبحان الله بگویی با خودت است. اما تسیحات حضرت زهرا دقیقاً همین باید رعایت بشود. خیلی وقت‌ها ماها بی‌دقتی می‌کنیم رعایت نمی‌کنیم. این کم و زیادی‌هایش را بعد حیف می‌شود. حالا غرض این جا جالب است، جزء روایاتی است که عدد داده است. کسی که هر روز ۲۷ بار برای مؤمنین و مؤمنات استغفار کند. این چه می‌شود؟ حضرت فرمودند این می‌شود مستجاب الدعوه، عجب! خیلی جالب است. «**من الذین يستجاب لهم**» این جزء کسانی است که دعای‌شان مستجاب می‌شود. یک. دیگر چه؟ «**و یرزق بهم**

«**من استغفر للمؤمنین و المؤمنات کل یوم سبعاً و عشرين مرة**» عدد داده است. فرمود کسی که «**کل یوم**» هر روز، برای مؤمنین و مؤمنات، آقایان و خانم‌های مؤمن، بیست و هفت مرتبه استغفار کند، می‌داند که قالبش هم این است «**اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات**» این را بیست و هفت بار بگویند. عدد مهم است، ببینید اگر در روایت عدد نداده باشد آزاد است، یک بار بگویند، دو بار بگویند، پنج بار بگویند، بیست بار بگویند، دیگر در اختیار خودش است، بعضی‌ها کمتر می‌گویند، بعضی‌ها بیشتر می‌گویند. اما اگر عدد داد یعنی نه کمتر، نه بیشتر، این یک بسته‌ی تعریف شده‌ای است. نه کمتر نه بیشتر، بیست و هفت یعنی بیست و هفت، این چنین است. مثل همین تسیحات

در آن خلل افتاد. همه هم الان متعجب هستند، تقریباً همه یک حالت شگفت‌زده دارند. حالا بعضی‌ها مثلاً یک پیش‌بینی‌هایی می‌کردند ولی نه این قدر، سرعت خیلی بالا بوده است. حالا تحلیل آن تک ساحتی نیست، پیچیده است. باز ما مبتلا هستیم به آدم‌هایی که تحلیل‌شان علیل است، تحلیل‌های سطحی، تک ساحتی و خراب‌ترین نوع تحلیل‌هایی که من این روزها گاهی شنیدم از بعضی از دوستان، آدم‌های خوب، انقلابی، تحلیل‌هایی هست که تا این را شنیدند یا از همان اول که این فتنه سوریه شروع شد، فلش مسأله را آوردند سمت خودمان، دولت خودمان را متهم می‌کنند، سپاه قدس را متهم می‌کنند، کلاً نظام را متهم می‌کنند، حالا اتهامش هم یک فهرستی است، دیدید

**اهل الارض**» وجودش چنان وجود با برکتی می‌شود که اهالی زمین به برکت او رزق می‌خورند، عجب! این هم خیلی جالب است. ذکرش هم این است «اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات» ۲۷ بار. هدیه خیلی خوبی بود، ان شاء الله خدای متعال توفیق عمل به همه ما کرامت بفرماید.

### مسیر طی شده‌ی ما در سوریه، مسیر پرافتخاری است

و اما من دو جمله خدمت عزیزانمان در ارتباط با حوادث اخیر هم عرض کنم. راجع به قصه سوریه خب اتفاق خیلی تلخی افتاد، یعنی قابل توصیف نیست، خیلی تلخ است و بالاخره در جبهه مقاومت یعنی در این کمربند طلایی، زنجیره طلایی مقاومت که یکی از آن درشت‌ترین حلقه‌هایش سوریه بود این

از زمان جنگ، بزرگترین خدمت‌ها را حافظ اسد به ما کرد، در آن غربت که ما به آن مبتلا بودیم، این‌ها را یادمان نمی‌رود، و بعد در ارتباط با جبهه مقاومت، این پسر، آقای بشار و بعد کسانی که حالا با او در این قصه کمک کردند. خیلی خدمت کردند، یعنی اگر ما امروز جبهه مقاومت را در این قوت داریم، در فلسطین، در حماس، در حزب‌الله، در یمن، یک بخش عمده‌ای از آن مدیون آقای بشار و مقاومت‌هایش و خود جریان سوریه است، این را حواس‌مان باشد. بعضی‌ها یک دفعه مثلاً می‌بینی حالا یک اتفاقی افتاده حواسش نیست، این قدر سطحی‌نگر، یک دفعه شروع می‌کند بشار را یک طرفه متهم کردن و زیر سؤال بردن، بدون این که بفهمد

شما، شنیدید این چند روز. این بدترین نوع تحلیل است، یعنی نشان می‌دهد که طرف چقدر آدم بسیط ساده‌ای بوده است. بعضی‌ها حتی مسیر طی شده جمهوری اسلامی را راجع به سوریه زیر سؤال می‌برند، مثلاً می‌گویند ما بی‌خود این همه به آقای بشار اعتماد کردیم، بی‌خود این قدر از او حمایت کردیم، از این قبیل، گاهی دیدم مثلاً بعضی‌ها او را به خیانت متهم می‌کنند. تمام این حرف‌ها باطل است، مسیر طی شده‌ی ما در سوریه مسیر پرافتخاری است. کارهای بزرگی آن جا انجام شده است، چه خدماتی این پدر و پسر، هم حافظ هم بشار، خدماتی که به انقلاب اسلامی ما کردند، به خود ایران عزیز ما کردند، خدمات بزرگ، به جای خودش محفوظ، ما آدم‌های نمک‌شناسی نیستیم،

این بنده خدا در چه شرایطی بوده است. یک وقت این آقای بشار نگاه کرد دید دیگر کسی نیست، و الا تا آخرین لحظه گفته بود من می‌ایستم. آخرین دیداری هم که با او شده بود، آن جا هم گفته بود که من هستم، من می‌ایستم، من تا آخرش هستم. ولی هستم با فرض این که باشند، اما یک دفعه نگاه می‌کند می‌بیند هیچ کس نیست. یک عده‌ای کم آوردند، یک عده‌ای فروخته شدند، یک عده‌ای خیانت کردند، یک عده‌ای به همین فتنه‌گرها پیوستند، حالا هر کسی با هر انگیزه‌ای، این چنین شد. حالا داستان قصه مفصل است.

می‌خواهم عرض کنم هم این مسیر طی شده ما با مقاومت، مسیر بسیار پرافتخاری است، هم نظام آن جا بسیار قوی عمل کرد. البته این جا شبهات زیاد

است، ولی می‌خواهم عرض کنم مبنا را داشته باشید. حالا یک وقت‌هایی دیگر امکانی نیست. یعنی مثلاً آیا فلان جا می‌شده ما کمک بکنیم؟ در خیلی از موارد جواب منفی است، دیگر امکان کمک نبوده است. چون این کمک را باید بخواهند، کشور خود ما که نیست. بعضی‌ها وقتی راجع به مثلاً سوریه یا راجع به لبنان یا حزب‌الله صحبت می‌کنند انگار مثلاً راجع به فلان استان خودمان دارند صحبت می‌کنند. بابا این جا یک کشوری است، ما داریم راجع به یک کشور دیگری صحبت می‌کنیم. این خیال می‌کند مثلاً فلان استان ما است. چرا این کار را کردیم، چرا آن کار را نکردیم؟ اگر بخواهیم کمک بکنیم آن جا باید ظرفیت پذیرش کمک باشد. مثلاً مستشاری ما برود، وقتی آن کسانی



داشته باشیم، آن می‌شود یک ضلعی از آن اضلاع ماجرا، نه این که همه قصه را متوجه این ماجرا کنیم. خطاهای راهبردی که خود آقای بشار داشته یا خود دولت سوریه و ارتش آن داشته است. مثلاً در آن مرحله قبلی ادلب را تحویل دادند، همین که پذیرفتند آن‌ها آن جا باشند، پایگاه داشتند، مدت‌ها آن جا خودسازی کردند. بی‌کار که نبودند. می‌خواستیم عرض کنم این را حواس‌مان باشد و نگاه‌مان را نسبت به مسأله یک نگاه پخته و همه‌جانبه داشته باشیم.

### حضور داعش، با چهره‌ی بزرگ کرده

یکی از قضایا هم برمی‌گردد به همین فتنه‌گرها، این فتنه‌گرها این دفعه متفاوت آمدند. همان‌ها هستند، همان قصه داعش است اما با قیافه

که باید مشورت بگیرند کم بیاورند دیگر نمی‌شود کاری کرد، وقتی یک عده زیادی از آن مردم مثلاً این منهای و این روش را نپسندند دیگر کاری نمی‌شود کرد.

البته باز این‌ها علت دارد، علت‌هایش خیلی مفصل است، یعنی هر کدام را شما بگویید کلی مباحثه دارد. من عرضم این است که این جا مثلاً شرایط منطقه، تغییراتی که در جغرافیای سیاسی منطقه اتفاق افتاده را شما باید ببینید، نقشه ترکیه را به طور خاص و به صورت برجسته باید ببینید، مدل مواجهه روسیه را باید ببینید، یک فهرستی دارد، یعنی این طور نیست که برگردیم یک جمله بگوییم بعد هم سریع خودمان را این وسط متهم کنیم، برگردانیم سمت نظام، بله یک جاهایی هم ممکن است ما هم یک کم و کسری‌هایی

بزرگ کرده، ادبیات‌شان را دیدید، حتی تیپ و قیافه و آن‌هایی که خنجر دست‌شان بود و سر می‌بریدند دیگر نیستند. اصلاً روش‌هایشان را تغییر دادند. حتی ادبیات‌شان، نوع حرف زدن‌هایشان متفاوت است. این‌ها هم هست. این جولانی را توی آب نمک گذاشته بودند برای این که در ساحت این جماعت هم یک چهره‌سازی از او بشود، برای سر او بیست میلیون دلار جایزه گذاشته بودند، تمام این‌ها الکی بوده است، برای همین روزها است که بگویند بله این جزء مجاهدین است که آمریکا برای سرش جایزه گذاشته بود. بابا این خود مهره آمریکایی است. آن وقتی که برای سرش بیست میلیون دلار می‌گذارد از او چهره‌سازی می‌کند تا امروز از او بهره‌برداری‌هایش

را انجام بدهد. این‌جا ما حرف زیاد داریم، بماند نمی‌خواستم این قدر وارد بحث بشوم. مطالب خیلی فراوان است. این‌ها هم حالا با آن قیافه این چینی آمدند و بعد استفاده فوق‌العاده قوی از رسانه، این مدت حسابی تعلیم دیده بودند. این‌ها این دفعه از رسانه، مخصوصاً از فضای مجازی خیلی قوی استفاده کردند. درست آن جایی که ضعف بسیار شدید دولت سوریه و ارتش و مقاومتش بوده است. خیلی در آن طرف ضعف شدید، اما این طرف قوی وارد شدند. فهرستی دارد، درس‌ها و عبرت‌های زیادی دارد. حالا اتفاقی است که افتاده است.

## مواجهه پخته‌ی جمهوری اسلامی ایران، با جریان سوریه

کارشناس‌ها خیلی حرف زدند، متنوع. اما نه، یک وقت است که مقام رسمی دارد صحبت می‌کند. مقام رسمی ما در این طور مواقع وزیر خارجه است. ایشان پخته صحبت کرد. مواضع همین است. یعنی روی آن کار شده، سنجیده شده، البته منطبق سیال است، گفت کل یوم هوفی شأن، حالا امروز یک جور است تا فردا ببینیم چه خبر است. یعنی یک مقدار فضا سیال است. نباید ما احساساتی بشویم یا تحلیل‌هایمان خیلی سطحی باشد. باید لایه‌های مختلف موضوع را ببینیم، جامع ببینیم، به مواضع رسمی نظام اعتماد کنیم، این‌ها بالاخره کار می‌شود، روی آن حساب شده است، حالا ضعف و قوت‌ها هم در هر قسمتی بالاخره وجود دارد که آن به جای خودش محفوظ

باید با این قصه هم پخته مواجه شد، بالاخره ما در سوریه حرم داریم، حرم حضرت زینب را داریم، حرم حضرت رقیه را داریم. نمی‌شود این جا بی‌مهابا به این قضایا وارد شد. باید خیلی حساب شده وارد شد. این جا باید حساب شده وارد شد. اکنون جمهوری اسلامی خیلی پخته دارد روبرو می‌شود. این صحبت‌های آقای عراقچی بسیار صحبت‌های پخته و درستی است. هر متنی را شما بیاورید یک چهارتا حاشیه هم می‌توانی به آن بزنی، ولی قواره قواره‌ی قوی بود؛ صحبت‌های ایشان، تحلیل ایشان، نمی‌دانم شنیدید یا نه، اگر شنیدید گوش کنید، آن مواضع رسمی است، یعنی یک وقت یک کارشناس می‌آید حرف می‌زند که این روزها

هم که یک خرده عجول هستند در این حرف‌ها، یک خرده صبر کنند. ان شاء الله از جایگاه خودش مطالب اساسی را دریافت خواهند کرد.

ولی این برای ما تهدیدی است که در دل آن فرصت‌های خیلی خاصی هست. باید حاج قاسم‌وار از این تهدیدی که پیش آمده ما یک فرصت‌های تازه‌ای را ان شاء الله فراهم کنیم برای ادامه مسیر و البته سوره در آینده هم ان شاء الله هم‌چنان با ما خواهد بود. حالا قصه‌ها دارد، این‌جا تحولاتی اتفاق خواهد افتاد، این هم یک کلمه، گوشه خاطر نازنین‌تان داشته باشید، این‌طور نمی‌ماند، قضایا دارد، داستان‌هایی خواهد شد، اتفاقاتی می‌افتد، باز سوره ان شاء الله به لطف خدا به عنوان یکی از پایگاه‌های مقاومت برخوردار گشت، ان شاء الله

است. اما وسط جنگ باید حواس‌مان باشد که چگونه باید با موضوعات مواجه شد. بعضی‌ها حواس‌شان نیست وسط جنگ هستیم. مثلاً فلان ضعف خودمان را می‌خواهیم شناسایی کنیم، آیا اکنون وقتش است؟ وسط جنگ که نمی‌آیند مثلاً کسی که فرماندهی وسط میدان است را شما بگیرد او را متهم کنید که وسط جنگ باید از فرمانده حمایت کنید، انسجام خودتان را باید حفظ کنید. همه باید دست به دست هم بدهند، قوی باشند که کار درست پیش برود. وَاِلاَ شَرَايِطُ خَطِيْرِي است. ان شاء الله چهارشنبه عزیز رهبرمان، مقتدای عزیزتر از جانمان ان شاء الله صحبت می‌کنند. آن‌جا یک مقدار باز مواضع روشن‌تر خواهد شد و ان شاء الله چهارشنبه دریافت خواهیم کرد. بعضی از دوستان

به وقتش به لطف خدا.

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ  
 بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ  
 وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ  
 وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ  
 وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ  
 وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ  
 وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ  
 إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ  
 بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.»

«اللهم صل على محمد و آل محمد.»





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر